

بسم الله الرحمن الرحيم

جزوه حقوق مدنی ۳

(بخش پنجم)

# دوره کارشناسی فقہ و حقوق

**استاد: آیت الله حبیبی تبار**

تہیہ و تنظیم: عبداللہ زکی

پاگاہ اطلاع رسانی گروه فقہ و حقوق قضائی

[www.feqhvaqaza.com](http://www.feqhvaqaza.com)

بحث در مسئولیت مفروض بود، دانستیم که مسئولیت مفروض پنج قسم است که تا کنون دو قسم از آن یعنی (مسئولیت تضامنی ایادی متعاقب بر غضب و نیز مسئولیت کارفرما نسبت به کارگران و کارکنان نسبت به شخص ثالث ناشی از کار) را بحث کردیم اینک مصداق سوم مسئولیت مفروض را یعنی «مسئولیت مدیریت حفاظت از صغار و مجانین» را مورد بحث قرار می دهیم.

بر اساس قواعد فقهی اگر چنانچه صغیر یا مجنون به دیگری ضرر وارد نماید، «ولی» او مسئول تأدیه خسارت می باشد. به این معنی که خود صغیر و مجنون ضامن می باشد و خسارت نیز باید از مال خود صغیر و یا مجنون پرداخت شود، در این میان «ولی» آنها مسئول پرداخت خسارت از مال صغیر و مجنون می باشد. بنابراین خسارت از مال خود آنها پرداخت می شود اما مسئولیت پرداخت به دوش «ولی» آنها می باشد.

همین مطلب در ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی نیز اشاره شده است این ماده بیانگر آنست که: «هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر به غیر شود ضامن است.»

با توجه به اینکه بر اساس ماده ۱۲۱۶ ق.م. خود صغیر، مجنون و غیر رشید ضامن می باشد. حالا سوال اینست که منظور از مسئولیت صغیر، مجنون و غیر رشید در ماده فوق، چه نوع مسئولیتی می باشد؟ آیا مسئولیت واقعی است یا مسئولیت مفروض؟

پاسخ: مسئولیت فوق از نوع مسئولیت واقعی است زیرا ماده فوق، خود آنها را ضامن دانسته است.

ماده ۷ قانون مدنی مسئولیت مدنی می گوید: «کسی که نگهداری یا مواظبت مجنون و صغیر، قانونا یا بر حسب قرارداد، برعهده او می باشد، در صورت تقصیر در نگهداری یا مواظبت، مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می باشد.»

سوال: منظور از مسئولیت در ماده ۷ چه نوع مسئولیتی می باشد؟

پاسخ: ظاهر ماده ۷ بیانگر آنست که این مسئولیت، مسئولیت مفروض می باشد. اما اگر کمی دقت نماییم خواهیم دید که این مسئولیت، مسئولیت مستقیم نیز می تواند باشد، زیرا این ماده مسئولیت را مبتنی تقصیر قرار داده است. (به این معنی که طبق این ماده، شخص نگهدارنده و مواظبت کننده از مجنون و صغیر علی الاطلاق مسئول نمی باشد بلکه

زمانی وی مسئول می باشد که در نگهداری یا مواظبت از آنها تقصیر کرده باشد.<sup>۱</sup> در حالی که مسئولیت مفروض، مبتنی بر تقصیر نیست بلکه مبتنی بر غیر تقصیر است.

از سوی دیگر از نظر عرف میان فعل زیانباری که از مجنون یا صغیر صادر شده است و بین تقصیری که از ناحیه نگهدارنده یا مواظبت کننده ای او صادر شده است رابطه ی سببیت برقرار می باشد یعنی عرف در قبال خسارتی که مجنون و صغیر انجام داده است شخص نگهدارنده و مواظبت کننده را مسئول می داند که چرا در مواظبت از آنها تقصیر و سهل انگاری کردی؟

با توجه به نکات فوق از آنجای که اولاً: صغیر و مجنون ضرر وارد کرده؛ ثانیاً: شخص نگهدارنده در مواظبت از آنها تقصیر کرده؛ ثالثاً: از نظر عرف میان فعل زیانبار و تقصیری شخص نگهدارنده رابطه سببیت برقرار می باشد. و سبب نیز اقوای از مباشر می باشد بنابراین نتیجه می گیریم که مسئولیت در ماده ۷ مسئولیت مستقیم می باشد.

در ادامه ماده ۷ چنین آمده است: «در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر، زیان جبران خواهد شد.» بنابراین جبران خسارت اولاً: متوجه شخص نگهدارنده و مواظبت کننده می باشد. و چنانچه وضع اقتصادی اش خوب نیست در این صورت اگر توان جبران قسمتی از زیان را دارد باید به همان اندازه جبران کند. و مقدار باقی مانده از، مال مجنون یا صغیر جبران شود. اما اگر حتی قسمتی از زیان را هم نمی تواند جبران کند در این صورت باید کل زیان، از مال صغیر یا مجنون جبران شود.

پس جبران خسارت اولاً متوجه شخص نگهدارنده و مواظبت کننده است. و اگر او توان جبران را نداشته آنگاه جبران خسارت متوجه شخص صغیر و مجنون می شود.

حال ممکن است این سوال به ذهن بیاید که اگر طبق ماده ۷، مسئولیت شخص نگهدارنده یا مواظبت کننده در قبال خسارتی که صغیر یا مجنون وارد کرده، مسئولیت مستقیم باشد چرا باید این خسارت را از مال صغیر و یا مجنون پرداخت کرد؟

پاسخ: بین شخص نگهدارنده، مواظبت کننده و بین صغیر و مجنون رابطه تضامن وجود دارد به این معنی که اولاً: شخص نگهدارنده و مواظبت کننده باید خسارت را جبران نماید. و اگر او توان جبران خسارت را نداشته آنگاه نوبت به خود مجنون و صغیر می رسد که باید از مال خود آن دو، خسارت جبران شود.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup>. اما اگر وی در نگهداری یا مواظبت از آنها تقصیر نکرده باشد مسئول نخواهد بود

<sup>۲</sup>. همانگونه که میان کارگر و کارفرما نیز رابطه تضامن برقرار بود. یعنی اولاً شخص یقه کارفرما را می گیرد و اگر او نداشته آنگاه یقه کارگر را می گیرد.

نکته: اگر نه شخص نگهدارنده و مواظبت کننده توان جبران خسارت را دارد و نه مجنون و صغیر، در این صورت باید صبر کرد تا وضعش خوب شود.

تحلیل ماده ۱۲۱۶ و ماده ۷ به صورت ناظر به هم:

طبق ماده ۱۲۱۶ خود مجنون و صغیر ضامن است و مسئولیت نیز به عهده خود صغیر و مجنون است نه به عهده دیگران، اما طبق ماده ۷ چنانچه صغیر یا مجنون ضرر وارد نماید مسئولیت آن به عهده نگهدارنده و مواظبت کننده است به شرطی که شخص نگهدارنده یا مواظبت کننده در نگهداری او تقصیر کرده باشد.

سوال: نسبت این دو ماده از نسب اربعه کدام است؟

پاسخ: نسبت شان عام و خاص مطلق است یعنی ماده ۱۲۱۶ مطلق است و اطلاقش هم از نوع اطلاق احوالی است یعنی چه در حالی که صغیر سرپرست داشته باشد، یا سرپرست نداشته باشد، چه در حالی که سرپرست داشته باشد و سرپرست مقصر باشد، یا سرپرست داشته باشد اما سرپرست مقصر نباشد در همه این احوالات، خود مجنون و صغیر مسئول می باشد.

اما ماده ۷ مقید است یعنی اگر سرپرست داشته باشد و او در نگهداری و مواظبت از صغیر و مجنون تقصیر کرده باشد آنگاه مسئولیت به دوش نگهدارنده و مواظبت کننده می باشد.

وقتی رابطه ماده ۱۲۱۶ و ماده ۷ مطلق و مقید شد باید مطلق را حمل بر مقید کرد لذا در نتیجه می گوئیم:

اگر صغیر و مجنون تحت سرپرستی باشد و سرپرست، مقصر باشد، در این صورت سرپرست باید خسارت را جبران نماید.

اما چنانچه تحت سرپرستی نباشند، یا تحت سرپرستی باشند ولی سرپرست مقصر نباشد در این صورت خود صغیر و مجنون باید خسارت را جبران نمایند.

سوال: اگر سرپرست در نگهداری و مواظبت از صغیر و مجنون تقصیر نکرده باشد اما طفل خسارت وارد کرده باشد در این صورت اگر جبران خسارت از مال طفل یا مجنون موجب عسر و تنگدستی آن دو بشود آیا در چنین صورتی آیا جبران خسارت متوجه سرپرست می شود یا خیر؟

پاسخ: خیر! زیرا در این صورت عرف سرپرست را مسئول نمی شناسد زیرا او قصوری نکرده است.

مورد چهارم از مسئولیت مفروض: مسئولیت دولت و شهرداری ها می باشد:

بر اساس قواعد حقوقی کارفرما که اداره ی یک موسسه ی را عهده دار است، عهده دار ضرر و زیانی می باشد که کارکنان و کارگران او در حین انجام وظیفه، به دیگران وارد کرده است.

بر این مبنا قانون مسئولیت مدنی علی القاعد باید کارمندان دولت و کارمندان شهرداری ها را با شهرداری ها و نهادهای دولتی به نحو تضامنی مسئول خسارت های اعلام کند که به شخص ثالث وارد می کند. آن هم در نتیجه ی عمد یا بی احتیاطی

اما برخلاف اصول حقوقی ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، بیانگر آنست که: دولت و شهرداری ها مسوول خسارات که کارمندان یا کارکنان آنها وارد کرده باشد نیستند.

شکی نیست که دولت و شهرداری ها علاوه بر کارمندان و کارکنان، کارگر نیز دارد.

حالا سوال اینست که: اگر رابطه ی شخص با دولت یا شهرداری رابطه کارگری و کارفرمایی باشد در این صورت آیا دولت و شهرداری مسئول جبران خسارت ضرری که کارگر وارد کرده باشد است یا خیر؟

پاسخ: ماده ۱۱ کارمندان و کارکنان دولت و شهرداری و موسسات وابسته به آنها را شامل می شود. و کارمند غیر از کارگر می باشد. بنابراین چون ماده ۱۱ فقط شامل کارمندان می شود لذا اگر کارگر دولت یا شهرداری ضرر وارد نماید، در این صورت شهرداری و دولت مسوول جبران خسارت می باشد.

پس اگر کارمند دولت یا شهرداری ضرر بزند، خود کارمند مسئول جبران خسارت می باشد. به دلیل نصّ ماده ۱۱. اما اگر کارگر دولت یا شهرداری ضرر بزند، در این صورت خود کارگر مسئول نمی باشد بلکه دولت و یا شهرداری مسئول جبران خسارت می باشد. به دلیل اصل، زیرا اصل اینست که کارفرما مسئول جبران خساراتی است که کارگرش وارد نموده است.

در بند ۲ ماده ۱۱ می گوید: «هرگاه خسارت وارده مستند به عمل آنان (یعنی کارمندان) نبوده بلکه مربوط به نقص وسایل ادارات و موسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت برعهده اداره یا موسسه مربوطه است.» بنابراین طبق بند فوق، اگر نقص از ناحیه وسایل باشد نه از ناحیه کارمند، آن اداره و موسسه مسئول جبران خسارت خواهد بود.

س: از منظر حقوقی آیا این مسئله قابل فرض می باشد که هم نهاد دولتی و هم شخص، باهم شریک العله باشند یا اینکه این مسئله قابل فرض نیست؟

ج: بله این مسئله قابل فرض می باشد مثل اینکه نهاد دولتی اتومبیل را در اختیار کارمند فاقد گواهینامه قرار دهد و او هم از آن اتومبیل برای استفاده شخصی استفاده نماید. در این مثال هم نهاد دولتی شریک العله است به دلیل اینکه

او اتومبیل را در اختیار کارمندی قرار داده که گواهینامه ندارد. و هم شخص شریک العله می باشد زیرا او از برای کار شخصی خود از وسایل دولتی استفاده کرده است.

حال که از نظر حقوقی این مسئله قابل فرض است که نهاد دولتی و هم کارمند او باهم شریک العله باشند، حال در اینگونه موارد تکلیف چیست؟ آیا این مسئله از باب اجتماع سبب و مباشر است؟ یا از باب تداخل اسباب است؟ آیا از باب تعدد اسباب است؟ و یا از باب اشتراک ضار و متضرر است؟

پاسخ: در این مسئله که نهاد دولتی و کارمند باهم شریک العله هستند، این مسئله از باب تعدد اسباب است زیرا دو سبب جمع شده و باهم موجب وقوع خسارت شده است.

حال در فرض فوق کدام یک از آنها مسئول جبران خسارت می باشد؟ کارمند یا نهاد دولتی؟

پاسخ: اگر ماده ۱۴ - که ناظر به ماده ۱۲ بود و بحثش در جلسه چهارم گذشت - شامل این فرض بشود، در این صورت، رابطه این کارمند با آن نهاد دولتی، از نوع روابط کارگر و کارفرمایی خواهد بود و در نتیجه کارمند و نهاد دولتی در خصوص این حادثه ی که به وقوع پیوسته است مسئولیت تضامنی خواهند داشت. یعنی در مرحله اول فرد زیان دیده باید خسارت خویش را از «اداره» طلب نماید (و چنانچه اداره خسارت را پرداخت کرد، آنگاه همین اداره به کارمندش مراجعه می کند و خسارت پرداختی را از او می گیرد). اما اگر جبران خسارت از ناحیه «اداره» میسر نشد آنگاه فرد زیان دیده به خود کارمند مراجعه کرده و خسارتش را از او مطالبه نماید.

اما اگر ماده ۱۴ که ناظر به ماده ۱۲ بود، شامل این فرض نشود به دلیل اینکه آن شخص کارمند می باشد نه کارگر، در این صورت ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی جاری می شود. این ماده می گوید: «هرگاه چند نفر باهم سبب آسیب یا خسارتی شوند، به طور مساوی عهده دار خسارت خواهند بود.» بنابراین اگر ماده ۳۶۵ بر این فرض جاری شود باید ۵۰٪ خسارت را کارمند بدهد و ۵۰٪ خسارت را نهاد دولتی بپردازد.

سوال: در فرض مزبور که کارمند و اداره شریک العله هستند، آیا اگر مسئولیت را تضامنی بدانیم به قاعده لاضرر نزدیکتر است یا اگر مسئولیت را تضامنی ندانیم به این قاعده نزدیکتر است؟

پاسخ: اگر مسئولیت را تضامنی بدانیم به قاعده لاضرر نزدیکتر است زیرا در این صورت ضرر متضرر زودتر جبران خواهد شد.

بحث جدید:

در بند ۳ ماده ۱۱، عملکرد دولت به دو قسمت تقسیم شده است: (۱) اعمال حاکمیتی (۲) اعمال تصدی گرایانه.

گاهی دولت اعمال تصدی گرایانه انجام می دهد. یعنی اعمالی انجام می دهد که از قبیل: اعمال تجارتي، فني و خدماتي است. به عنوان مثال واردات شکر می کند از وظايف بازرگان می باشد اما گاهی دولت کار بازرگان را انجام می دهد و اقدام به واردات شکر و... می کند.

گاهی دولت اعمال حاکمیتی انجام می دهد. مثل اخذ مالیات، اداره نمودن جنگ، برقراری امنیت و... اگر دولت اقدام اعمال تصدی گرایانه نماید، مانند سایر شهروندان خواهد بود. اما اگر اقدام به اعمال حاکمیتی نماید، مسئولیتی بر عهده دولت نخواهد بود. به این معنی که نمی توان علیه دولت دادخواست تنظیم کرد که چرا مالیات گرفتی، یا نمی توان علیه او شکایت نمود که چرا در جنگ منزلم خراب شد پس حالا بیا و خسارتش را بپرداز! یا مثال اگر در جریان مبارزه دولت با نا امنی به کسی خسارت وارد شود، فرد زیان دیده نمی تواند جبران خسارت را مطالبه نماید. بنابراین دولت در اعمال حاکمیتی مسئولیتی ندارد.

نکته: هرچند که دولت در اعمال حاکمیتی مسئولیت ندارد، اما اینکه مطلقاً دولت در اعمال تصدی گرایانه مسئولیتی نداشته باشد و ضامن نباشد مبتلا به اشکال می باشد. بلکه باید ملاحظه شود که آیا دولت پیش بینی های لازم را انجام داده است یا خیر؟

به عنوان مثال راه های ارتباطی یک شهری، به دلیل برف سنگین مسدود می باشد، حال گاهی دولت به مسافران اخطار داده است که در این جاده های منتهی به این شهر تردد نکنید، حال اگر مسافری در این راه ها تردد نماید و دچار خسارت شود دولت ضامن نمی باشد زیرا دولت قبلاً اخطار داده بود. اما اگر دولت اخطار لازم را ندهد در این صورت دولت مسئول خواهد بود.

بنابراین در اعمال حاکمیتی نباید دولت را مطلقاً مبراً از مسئولیت دانست بلکه باید قائل به تفصیل شد به این معنی که در موارد که دولت وظایفی داشته اگر در انجام وظایفش کوتاهی کرده باشد مسئول می باشد اما اگر کوتاهی نکرده مسئول نمی باشد.

پنجمین قسم از اقسام مسئولیت مفروض، مسئولیت متصدیان حمل و نقل است: متصدیان حمل و نقل از دیدگاه فقه داخل در عقد «اجاره» می باشد.

اجاره دو نوع می باشد:

۱) اجاره ی اموال: ارکان اجاره اموال عبارتند از:

یک: موجر

ب: مستاجر

ج: عین مستأجره

منافع که از اجاره اموال حاصل می شود، «مستأجر علیها» نامیده می شود. (ضمیر علیها به عین مستأجره بر می گردد).

(۲) اجاره اشخاص: ارکان آن عبارتند از:

الف: مستأجر (یعنی اجیر گیرنده که همان کارفرما می باشد).

ب:ب: اجیر؛

ح: عمل مستأجر علیه.

منافع حاصل از اجاره اشخاص «مستأجر علیه» نامیده می شود. (ضمیر علیه به «عمل شخص اجیر» بر می گردد) انواع امانت: (۱) امانت مالکی: که دو قسم است: الف) مستقیم: منظور از مستقیم اینست که امانت به طور مستقیم، با اذن مالک انجام گرفته است. یعنی مالک مستقیماً اذن در امانت داده است. مانند ودیعه. ب) غیر مستقیم: منظور از غیر مستقیم اینست که: مالک مستقیماً اذن در امانت نداده است مثل در اجاره، هدف اصلی مالک، اجاره می باشد. اما امانت عین مستأجره در دست موجر از نوع غیر مستقیم است. مثل عاریه، اجاره، مضاربه، مزارعه و... (۲) امانت شرعی.

سوال: ید مستأجر نسبت به عین مستأجره چه یدی است؟ ج: ید امانی است. آن هم از نوع امانت مالکی آن هم از نوع غیر مستقیم می باشد.

مطلب جدید:

اگر شخصی که برای حمل بار اجیر شده است، ادعا کند که بار در وسط راه گم شد یا از بین رفت، سخن او مسموع می باشد زیرا شخص شارع او را امین قرار داده است لذا او مسئولیتی در قبال از بین رفتن بار، ندارد زمانی می توان از او مطالبه خسارت نمود که او در حفظ مال، تعدی یا تفریط کرده باشد و اثبات تعدی یا تفریط شخص اجیر در حفظ مال، به عهده مالک مال می باشد.

بنابراین اصل اولیه در باب حمل و نقل اینست که: شخصی که مسئول حمل و نقل می باشد، امین است. و نمی توان از او مطالبه خسارت نمود مگر اینکه ثابت شود که او در حفظ مال تعدی یا تفریط کرده است.

**طراحی و تنظیم:**

**مدیریت سایت پایگاه اطلاع رسانی گروه فقه و حقوق قضایی**